



ابراهیم فیاض
استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

سلاح سرد سلبریتی

«دموکراسی» و «پوپولیسم» از آن دست مفاهیم و موضوعاتی است که اغلب محل مناقشه بوده است. از این رو، قبل از بررسی نسبت میان این دو مفهوم و ارتباطی که با هم می‌توانند پیدا کنند، باید به تعریف هریک از این مفاهیم پرداخت.

■ جامعه‌صنعتی یک «جامعه توده‌ای» است

واقعیت این است که «پوپولیسم» از واژه population به معنای «جمعیت» گرفته می‌شود و در آن «بعد کمی جمعیت» مدنظر است. همان انبوه جمعیتی که بعدها در دانش ارتباطات با عنوان mass شناخته شد. بیشتر، نخبه‌گرایان و سوزده‌محوران و مکتب فرانکفورتی‌ها از «جامعه صنعتی» با عنوان «جامعه توده‌ای» سخن می‌گفتند. در دانش ارتباطات از این وضعیت با عنوان «پوپولیسم» یاد می‌کنند.

در تعریف پوپولیسم نکته‌ای که باید مدنظر داشت این است که پوپولیسم از ریشه people به معنای «مردم» نیست؛ بلکه از واژه population به معنای «جمعیت» و «توده» است. اما برخلاف پوپولیسم، واژه دموکراسی به معنای «مردم‌محوری» از people می‌آید. از این رو، وجه ممیزه دو مفهوم «دموکراسی» و «پوپولیسم» را می‌توان در چهار محور کلی، که از قضا به نوعی به هم پیوسته هستند، دسته‌بندی کرد؛

نخست آنکه، دموکراسی بر اساس زندگی مردم بنا می‌شود.

دوم اینکه، زندگی مردم در بردارنده یک فرهنگ خاص است که این فرهنگ نمایانگر احوال زندگی مردم اعم از ارزش‌های مشترک، اخلاق، عقلانیت و...

است.

سوم اینکه، این مردم و فرهنگی که واجد آن هستند در یک ظرف مکانی و جغرافیایی زندگی می‌کنند. این جغرافیا برای مردم از اهمیت بالایی برخوردار است.

چهارم، در دموکراسی ما با «گروه‌های انسانی» مواجه هستیم نه با «جمع گروه‌های بی‌هویت». اما پوپولیسم «اجتماع بی‌هویت‌ها» است و در آن افراد صرفاً دور هم جمع می‌شوند و هیچ ارزش، هدف و آرمان مشترکی آنان را به هم پیوند نمی‌زند.

■ هویت‌های متکثر نامنسجم به پوپولیسم کشیده می‌شوند

پرسشی که اغلب در نسبت میان دموکراسی و پوپولیسم مطرح می‌شود، این است که در چه صورت دموکراسی خواهی به ورطه پوپولیسم کشیده می‌شود؟ واقعیت این است که مادامی که در یک جمع و اجتماع، چارچوب‌های «زندگی محور» و «جغرافیا محور» مغفول شود، در حالی که جغرافیا هویت‌بخش است، جامعه بتدریج به سمت پوپولیسم کشیده می‌شود. این وضعیت اغلب در شهرهای صنعتی و بزرگ رخ می‌دهد که طی آن، افراد دور هم جمع می‌شوند بدون اینکه هویت مشترکی از این اجتماع کسب کرده باشند. در واقع، بدل به هویت‌های متکثری می‌شوند که هیچ انسجامی ندارند. این هویت‌های متکثر در اروپا بشدت بحران‌زا شده‌اند. در این جوامع همه چیز وجهی توده‌وار پیدا کرده است از فرهنگ گرفته تا ارتباطات و... از قضا این وضعیت را می‌توان در جامعه تازه صنعتی شده آلمان هم دید.

جامعه‌ای که به وضعیت «هویت‌های متکثر نامنسجم» مبتلا می‌شود، بیشتر حالتی سیلابی پیدا می‌کند؛ به این معنا که ویژگی ویرانگری زیادی دارد. هر جامعه‌ای که دچار پوپولیسم می‌شود، نخستین مشکلی که با آن مواجه می‌شود «خشونت اجتماعی» است. در وضعیت پوپولیستی، یک قشر اقلیت و همبسته، جامعه را بشدت به تحرک وامی‌دارند و بتدریج گروه‌های مردم به آن جریان می‌پیوندند. آن قشر اقلیت کوچک (مثل هیتلر) به یکباره بر یک کشور مسلط شده و شروع به تحرک بخشیدن می‌کنند.

■ دولتی که نتواند خود را همگام با جامعه به جلو ببرد فضا برای ظهور پوپولیسم فراهم می‌شود

واقعیت این است که دولتی که نتواند «انسجام» ایجاد کند، زمینه را برای ایجاد پوپولیسم فراهم می‌کند. وقتی موازنه جامعه و دولت‌ها بهم می‌خورد؛ یعنی

«دموکراسی خواهی» در چه شرایطی به ورطه «پوپولیسم» کشیده می‌شود؟

در شرایطی که جامعه بشدت رشد کرده و به دنبال پیشرفت است، دولت نتواند همگام با جامعه پیش رود، بتدریج فضا برای ظهور پوپولیسم فراهم می‌شود.

برای مثال مردم آلمان، بعد از شکست در جنگ جهانی اول بشدت انگیزه رشد و پیشرفت داشتند اما امپراطوری آلمان نمی‌توانست همگام با انگیزه مردم پیش رود و در این فضا بود که یک گروه اقلیتی، یعنی هیتلر، روی کار آمد.

این وضعیت در ایران نیز کمابیش به چشم می‌خورد، دولت در معنای کلی آن یعنی state در جامعه مابین تحرک و تشریفاتی است. این ساختار پیر با ساختار جوان، بالنده، باسواد شده و تکنوکرات محروم از قدرت مواجه شده است و هیچ دولتی، برنامه‌ای برای این قشر متوسط و جوان ارائه نمی‌کند. واقعیت این است مادامی که نتوانیم به صورت ساختاری با جامعه جوان وارد تعامل شویم به مشکل برخوردیم.

■ برای تحقق دموکراسی در جامعه‌مان هیچ تئوری نداریم

اگر «دموکراسی خواهی» و «پوپولیسم» را در دوسریک پیوستار در نظر بگیریم، در خواهیم یافت که ما بیشتر به ورطه پوپولیسم رفته‌ایم تا دموکراسی خواهی. علت این امر آن است که ما هیچ تئوری برای دموکراسی در جامعه‌مان نداریم. به علاوه دموکراسی خواهی نیازمند «فرهیختگی عمومی» است که متأسفانه در شرایط فعلی شبکه‌های اجتماعی «فرهیختگی عمومی» را تحت تأثیر قرار داده‌اند و بشدت پوپولیسم را ترویج می‌دهند.

در حال حاضر، سلبریتی‌ها مرجع‌های فکری جامعه ما شده‌اند؛ رامبد جوان نماد ملی‌گرایی و مهران مدیری نماد انتقاد اجتماعی است. اینها نشان می‌دهد که یک شبکه عظیم بدون هویت با ساختاری «سلبریتی‌وار» عرصه را برای ایجاد پوپولیسم فراهم می‌کند.

■ دموکراسی متفکر می‌خواهد نه سلبریتی

واقعیت این است که دموکراسی، متفکر می‌خواهد نه سلبریتی. متفکران باید برای دموکراسی تئوری داشته باشند و بر اساس آن تئوری با جامعه وارد تعامل شوند و در تعامل با متن جامعه «فرهیختگی عمومی» را ارتقا دهند و در نتیجه این فرآیندها است که می‌توان از تحقق دموکراسی در یک جامعه سخن گفت.

مانع اصلی تحقق دموکراسی در جامعه ما، فاصله نخبگان فکری و اهالی دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه از بدنه جامعه است. امروز مرجعیت دین به دست مداحان افتاده است. در عرصه دانشگاهی هم متأسفانه روشنفکران جایی در جامعه ندارند. صدا و سیما روشنفکران را به عناوین گوناگون از جمله با برچسب «غرب‌گرا» حذف کرده یا به حاشیه رانده است. روشنفکران ما در عمل حضور رسانه‌ای گسترده‌ای ندارند. در این فضا مردم هم، راه خودشان را می‌روند و مرجعیت فکری جامعه هم به دست سلبریتی‌ها افتاده است.

امروزه ما با پدیده «سلبریتی‌های رسانه‌ای بدون دانش» مواجه‌ایم. مرجعیت جامعه ما به جای آنکه «دانش» باشد و این دانش «گفتار» ایجاد کند و این گفتار «گفت‌وگو» بیافریند و این گفت‌وگو «گفت‌مان» تولید کند و این گفت‌مان «اقتدار» را موجب شود، در حال حاضر، این چرخه در جامعه ما به کلی حذف شده و تنها به سلبریتی‌ها محدود شده که این امر شکاف بنیادی را در جامعه ما ایجاد کرده است. اما شکاف میان مرجعیت‌های فکری با بدنه جامعه را چگونه می‌توان ترمیم کرد؟ واقعیت این است که با دانش محور کردن جامعه می‌توان تاحدی به این مهم، جامعه‌عمل پوشاند. البته مقصود از «دانش محور کردن جامعه» صرفاً تأسیس شرکت‌های دانش بنیان نیست چرا که شرکت‌های دانش بنیان بدون علوم انسانی به مرکز پولشویی بدل خواهند شد.

دموکراسی
متفکر می‌خواهد نه
سلبریتی. متفکران باید
برای دموکراسی تئوری
داشته باشند و بر اساس
آن تئوری با جامعه
وارد تعامل شوند و در
تعامل با متن جامعه
«فرهیختگی عمومی»
را ارتقا دهند و در نتیجه
این فرآیندها است
که می‌توان از تحقق
دموکراسی در یک
جامعه سخن گفت